

القاب قلابی

در این اواخر در نشرات بیرون مرزی و همچنان در رسانه های داخل کشور به کسرت مطالعه میشود که یک شخص نظر به هر هدف و مقصدی که نزد وی موجود است شخص دیگر را استاد خطاب میکند، اصطلاح استاد در فارسی مرادف است با کلمه پروفیسور در لسانهای غربی. اعطای چنین القاب در بخش اکادمیک عملکرد ساده نیست. اعطای درجه استادی و یا پروفیسوری توسط یک شخص یا یک گروه بخصوص که در یک دسپلین علمی نه معلومات و نه دسترسی دارد قابل قبول جامعه اکادمیک نیست، اهدای درجه استادی در هر رشته ای که باشد چه در بخش هنر، ادب، تاریخ و چه در بخش فلسفه، جامعه شناسی، حقوق، اقتصاد و علوم ساینس و غیره شرایط بخصوص دارد. یک استاد و پروفیسور بانیست و اجد اوصاف باشد تا بدرجه استادی برسد. شرایط عمده آنرا می شماریم:

اول: بانیست در چه علمیت یک کاندید استادی از روی نشرات متعدد مانند کتب، رساله ها و مضامین که در یک رشته خاص علمی تحریر و نشر نموده تثبیت بشود و آثار کاندید استادی بانیست از جانب سائیر دانشمندان و استادانی که در رشته مندرکه مطالعات عمیق دارند، صاحب نظر و صاحب صلاحیت اند، به حیث اهل خبره قضاوت کرده میتوانند ارزیابی میشود.

دوم: کاندید درجه استادی بانیست موفق به اخذ دیپلوم از یکی یونیورسیتی های شناخته شده در داخل و یا خارج از کشور شده باشد و اگر مدارج عالی تحصیل در بعضی از مراکز عملی در کشور ما نسبت به مشکلات اکادمیکی اعطا نمی شود، شخص مذکور از پوهنتون های کشورهای آسیائی، اروپائی و امریکاه موفق به اخذ درجه اکادمیک ماستری و داکتری شده می تواند. در اینجا باز هم یاد آور شد که یک شخص با وجود داشتن چنین درجه اکادمیک بخودی خود باعث تضمین عنوان درجه استادی وی شده نمی تواند. ولی برای رسیدن به مقام استادی البته داشتن چنین اسناد علمی معتبر ممد واقع می شود.

سوم: استاد باید تجارب تدریسی طویلالمدت را در دانشگاه های داخل و خارج کشور داشته باشد. با در نظر داشت شرایط فوق باز هم وظیفه یک مقام با صلاحیت عالی اکادمیک است که درجه استادی را به یک شخص اعطا نماید. با کمال تاسف در اجتماع افغان ها القاب و عناوین به یک شخص مورد نظر که اهلیت، کفایت، صلاحیت و علمیت آنرا ندارد از جانب دوستان وی و یا کسانی که به شخص مندرکه حسن نظر دارد و یا به یک گروپ بخصوص سیاسی و حزبی که به آن متعلق است اعطاء میشود. این روش حتی توسط یکی از اقارب نزدیک و یا یکی از اعضای خانواده یک شخص نیز به منظور بلند بردن پرستیژ اجتماعی فامیل به عناوین و القاب مبالغه آمیزی را مسماه میسازند تا دیگران نیز او را به این عنوان خطاب نمایند و به این ترتیب گراف ارزش اجتماعی و فامیلی را بلند ببرند.

استفاده از درجات قلابی و عناوین اهدائی در شروع جهاد مروج شد، رهبران تنظیم های مختلف در پشاور از این درجات علمی و اکادمیک سوء استفاده کردند مانند لقب "انجنیر" که آقای گلبدین به نام خود چسپاینده و اینکه وی مدرک و سند انجنیری را از کجا و کدام مرجع اخذ نموده معلوم نیست. همچنان چسپانیدن القاب استاد، مولوی و مولینا و بعضی دیگر از این عناوین که برای یک شخص معلوم الحال درجه ربانیت و عولویت میدهد ولی تاحال کسی نمی داند که این اشخاص آنرا از کدام مرجع عالی اسلامی که در نزد جهان اسلام معتبر باشد بدست آورده است. به هر حال در پشاور استفاده سوء از القابی که حامل آن اصلاً و ابداً لیاقت آنرا نداشته و ندارد مود روز گردید و دیگران نیز از این عملکرد سوء استفاده را شروع نمود و کسی که مستری بود انجنیر شد، نرس مرد در یک بیمارستان تبدیل به داکتر شد، طالب و چلی بی سواد و کم سواد مبدل به ملاح و مولوی شد. حتی بعضی از دوستان شکایت دارند که در بین افسران اردو نیز یک تعداد اشخاصی اند که دارای درجه ضابط و خورد ضابط در کشور بودند و امروز در اروپا و امریکا خود بخود به تورن و جرنیل و کرنیل ارتقایافتند. و چنان گردن را بلند میگیرند و سینه را میکشند و به جاده های اروپا و امریکاه پرسه میزنند که گویی با اصطلاح جنگ سومنات را فتح کرده اند.

سوء استفاده از القاب را ما و شما امروز به شکل خیلی افراطی آن در بین طالبان مشاهده میکنیم هر شخصی که هم سوئی با نظریات ناقص و غیر اسلامی و غیر انسانی طالبان دارد و بی سواد محض هم است بنام ملا یاد میشود. و یا ملا عمر را بنام امیر المومنین یاد میکنند.

چنانچه یک مثال است که میگویند: ناخوانده ملا و نا بافته جولاً!

گزاره گرائی و لقب بخشی حاتم وار حالا دیگر برای اجتماع افغانها در داخل و خارج از کشور به یک مشکل اجتماعی مبدل شده است و باید رسانه ها، ژورنالیستان و موسسات علمی و اکادمیک کشور به هیچ یک شخص و یا گروهی اجازه ندهند که خود سرانه و بدون داشتن اسناد معتبر علمی و اکادمیک وی را به القاب و عناوین که اهلیت آنرا ندارد خطاب کنند.

همچنان اشخاصی که چنین لقب های اعزازی را می پذیرند و در هر شته از روحانیت گرفته تا هنر و ادب و علوم ساینس با ید بدانند که برای مردم قابل قبول نیستند و چنین شخص و یا اشخاص مردم را نباید گول بزنند و اگر یک شخص واقعاً کفایت و اهلیت در چه استادی را داشته باشد نزد جامعه افغان پنهان نمی ماند. امید وارم که رسانه های مطبوعاتی سایت های انترنتی و دستگاه های نشراتی تلویزیون و رادیو این مشکل اجتماعی را به بحث کشیده و برای روشن گری ذهنیت خوانندگان و بینندگان توسط راپورها و مباحثات به شکل میز مدور این مشکل را توضیح دهند.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ